

بررسی تطبیقی وضعیت دین در ایران، ترکیه و مصر

سید مهدی اعتمادی فرد*

چکیده

نقش دین به‌ویژه در کشورهای ایران، ترکیه و مصر به عنوان کشورهای در حال توسعه که مواجهه با فرایندهای مدرن داشته و سنت‌های مؤثر فرهنگی و دینی در این زمینه داشته‌اند، از جمله زمینه‌های شکل‌گیری یکی از پرسش‌های تحقیق در خصوص کیفیت وضعیت دین در این سه زمینه فرهنگی بوده است. پرسش دیگر، به تطابق الگوی نظری اینگلهارت با یافته‌های مربوط به پیمایش بین‌المللی او درباره وضعیت دین در سه کشور مذکور بازمی‌گردد. در این پژوهش، آخرین موج از این پیمایش‌ها، مبنا قرار گرفته و مقولات شش‌گانه مرتبط با حیات دینی که داده‌های آنها درباره سه کشور مذکور، موجود است و همچنین مقایسه‌پذیر می‌باشند، به بررسی این موضوع به صورت تطبیقی - مقایسه‌ای پرداخته شده است. متناسب با سطح سنجش متغیرها، آماره‌ها و میزان معناداری، تفاوت میانگین‌ها ارزیابی شده است. گرچه میزان اهمیت مذهب و خدا در زندگی و مذهبی بودن مصر نسبت به ایران و ترکیه و ایران نسبت به ترکیه بیشتر است، اما اهمیت سنت با اهمیت مذهب ضرورتاً وضعیت مشابهی ندارد. همچنین تفاوت معناداری میان میزان عبادت و تأمل در معنا و غایت زندگی در سه کشور مشاهده نشده است.

کلیدواژه‌ها

اهمیت سنت، اهمیت مذهب، توسعه‌یافتگی، حیات دینی، عبادت، مذهبی بودن، معنای زندگی.

مقدمه و بیان مسئله

وضعیت دین در جوامع معاصر، از مهم‌ترین دغدغه‌های متفکران و اندیشمندان اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسان بوده است به‌گونه‌ای که علی‌رغم رویکردهای شخصی، مهم‌ترین چهره‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، از جمله دورکیم، وبر و مارکس به این موضوع اندیشیده‌اند و متونی در این زمینه نگاشته‌اند که در تاریخ اندیشه جامعه‌شناسی، بر متفکران بعد از خود تأثیرگذار بوده است؛ چراکه دین در زمانه پیشامدرن، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری نظم اجتماعی بوده و درک منطق دین در حیات اجتماعی به فهم وضعیت کنونی نیز کمک می‌کرده است. نقش دین در زمینه اجتماعی از ابعاد مختلفی از جمله به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع جامعه‌پذیری، اعمال اقتدار در سیاست، تنظیم‌کننده روابط اخلاقی و هنجارهای اجتماعی مد نظر قرار داشته است. پس از فترت چندین ساله بعد از جنگ جهانی دوم در برخی از کشورها، مجدداً حیات دینی و ابعاد آن در شرایط اجتماعی معاصر با توجه به تحولات جامعه‌شناسی عمومی در کانون مطالعات جامعه‌شناسان قرار گرفت (فورست و ریستاد، ۲۰۰۶: ۶۵).

از نیمه سده بیستم، در میان جامعه‌شناسان متعلق به کشورهای صنعتی پیشرفته‌ای که دین هم‌چنان جایگاه مهمی در زندگی روزمره اجتماعی داشت، جامعه‌شناسی دین رونق بیشتری گرفت تا بتوان روند دین در شرایط معاصر را پیش‌بینی کرد؛ روند متفاوتی که برخلاف بسیاری از دعاوی و انتظارات اولیه متفکران اجتماعی رخ داده بود. استارک در این زمینه چنین می‌گوید: «حداقل از عصر روشنگری، بسیاری از روشنفکران غربی مشتاقانه، مرگ دین را پیش‌بینی کرده‌اند؛ همچون یهودیان اسرائیل باستان که در کمین مسیح بودند. علمای اجتماعی به‌صورت مشخصی پیش‌بینی کردند به نحو قریب‌الوقوعی خرد بر خرافه‌پرستی به پیروزی می‌رسد. از چهره‌های سرشناس در جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و روان‌کاوی، بالاتفاق با اطمینان اظهار کردند که فرزندان‌شان یا به طور قطع نوه‌های‌شان سپیده‌دم عصری را خواهند دید که به گفته فروید، توهمات کودکانه مذهبی از میان خواهد رفت... ما اذعان می‌کنیم که سکولارشدن روندی اساسی در زمانه مدرن است اما توضیح خواهیم داد که این ناشی از توسعه مدرن یا حاکی از اضمحلال دین نیست» (استارک، ۱۹۸۵: ۱-۲).

در مقاله حاضر به بررسی وضعیت حیات دینی در سه کشور ایران، ترکیه و مصر پرداخته می‌شود. اهم دلایل انتخاب این سه کشور جهت مقایسه وضعیت دین، فارغ از تعلقات و دغدغه مؤلف، عبارتند از:

۱. وضعیت مؤثری که آنها در شکل‌گیری رویکردها و جریان‌های سنتی و بازاندیشانه در حوزه دین بر سایر مناطق فرهنگی در جهان اسلام داشته‌اند. در این زمینه مشارکت‌هایی نیز میان اندیشمندان و علمای این کشورها موجب رواج شیوه‌هایی مشترک از فهم و عمل دینی شد (از جمله جنبش اخوان در مصر و تأثیرپذیری آن از علمای ایرانی تبار). در این زمینه کشورهای دیگری همچون پاکستان و عربستان نیز اهمیت دارند که با توجه به مؤلفه‌های بعدی از دامنه پژوهش حاضر کنار گذاشته شدند.

۲. تحولات و تجربیات به سوی مدرن‌شدن و بروز معضلات و تنش‌ها میان فضاهاى بدیع متأثر از شرایط مدرن و سنت‌های جاافتاده‌ای که دین در شکل‌گیری و تداوم آنها نقش به‌سزایی داشته است. کشورهای دیگری نیز از جمله لبنان و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز از چنین خصالتی برخوردارند، اما به دلیل فقدان مؤلفه‌های دیگر مورد بررسی قرار نگرفتند.

۳. نقش سیاسی مؤثر بر شرایط منطقه در خاورمیانه و تعیین مرزهای سیاسی و فرهنگی که بر وجوه مختلف حیات اجتماعی مردم در منطقه تأثیرگذار است. جنبش‌ها و انقلاب‌های سیاسی که در این سه کشور با رنگ و بوی دینی نضج گرفته و تداوم یافته، منشأ تأثیرات زیادی بر مرزبندی سایر کشورها بوده است؛ تأثیراتی که انقلاب اسلامی ایران از جریان‌های دینی در مصر پذیرفته و سپس بر سایر کشورها به‌ویژه در شکل‌گیری جنبش‌های اسلام‌گرایانه در ترکیه داشته، از این جمله است. کشورهایی از جمله عراق و سوریه نیز در این ویژگی با این سه کشور مشترکند که به دلیل فقدان سایر مؤلفه‌ها به آن پرداخته نشده است.

با توجه به مؤلفه‌های فوق، پیش از تقریر پرسش اصلی پژوهش، به نحو مقدماتی به برخی از زمینه‌های عمومی در این سه کشور پرداخته می‌شود. در اواخر دهه ۷۰ در ایران، انقلابی دینی رخ داد و وضعیت سیاسی را نیز به شیوه اسلامی تغییر داد. جنبش‌های مذهبی در ایران معاصر به قبل از ۱۸۹۱ بازمی‌گردد. در این زمان به رهبری علمای مذهبی، اعتراض

گسترده‌ای به اعطای امتیاز توتون و تنباکو - در سفر سوم ناصرالدین شاه به فرنگک به وی - سازمان‌دهی شد تا جایی که شاه مجبور به لغو امتیاز گردید. سیر تحولات اجتماعی و سیاسی در ایران حاکی از اهمیت دین در حیات اجتماعی آن است؛ به گونه‌ای که بدون توجه به چنین زمینه‌ای به درستی نمی‌توان به فهم دقیق وضعیت اجتماعی در سایر ابعاد نیز پرداخت. مردم ایران در زمانه‌ای که محمدرضا پهلوی به دنبال توسعه و اصلاحات اساسی بود (از جمله در ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۰ اولین مرحله از اصلاحات ارضی به عنوان نخستین اصل منشور انقلاب شاه و مردم آغاز شد و با رفراندوم عمومی در ۲۶ ژانویه ۱۹۶۳ به مرحله اجرا درآمد) انقلابی گسترده را با مداخله و نقش آفرینی طبقات و علمای مذهبی تدارک دیدند که زمینه برای برخی تحولات نظری در زمینه مطالعات سیاسی و دینی در ایران را رقم زد (علی‌خان، ۲۰۰۳: ۲۴۱).

در ترکیه و مصر نیز تلاش‌هایی توسط گروه‌های مذهبی به منظور مداخله در مدیریت کلان حکومت شکل گرفته است. ترکیه دارای دولت سکولار-دموکرات است که میراث انقلاب آتاتورک (۳۸-۱۹۲۳) است و علی‌رغم تلاش‌های او برای راندن دین به حوزه خصوصی، همچنان نقش پررنگی در حیات سیاسی ترکیه ایفا می‌کند (الیگور، ۲۰۱۰). از میان چهار حزب اسلام‌گرا در ترکیه، حزب عدالت و توسعه در حال حاضر مدیریت اجرایی را به عهده دارد. مؤسسين این حزب از طرفداران و شاگردان نجم‌الدین اربکان بودند. از ایشان در سال ۲۰۰۸ به دلیل تلاش برای برپایی حکومت اسلامی و تضعیف سکولاریسم توسط دادستان ترکیه به دادگاه عالی شکایت شد. شیوه عمل سیاسی این حزب و تأثیرگذاری آن بر سایر گروه‌های اسلامی در کشورها، نشان‌گر گونه‌ای خاص از حیات سیاسی این حزب اسلام‌گراست (سیزره، ۲۰۰۸: ۱۷۶).

مصر، مهد شکل‌گیری و بسط جریان‌های مختلف اسلامی است که اخوان المسلمین بزرگترین جنبش آن است که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا بنیان نهاده شد و به سایر کشورهای عربی و اسلامی نیز گسترش یافت. ابعاد عمل این جریان، نه تنها به حوزه‌های سیاسی بلکه مشتمل بر ابعاد نظامی، فرهنگی و اعتقادی نیز بود. گرچه انقلاب ۲۵ ژانویه مصر به دلیل مخالفت با نظام سیاسی اقتدارطلب بود و گروه‌های مختلف ضد مبارک در آن مشارکت داشتند، اما تلاش‌های اخوانی‌ها در این زمینه منجر به پیروزی حزب آزادی و

عدالت وابسته به اخوان المسلمین در ژوئن ۲۰۱۲ شد. حرکت‌های مذهبی در مصر مبتنی بر بسیج نیروهای جوان تحصیل کرده زیر سایه دولت اقتدارگرا شکل تازه‌ای به خود گرفت؛ به گونه‌ای که در حوزه‌های مختلف خیل تحصیل کردگان خارج از مصر مشغول سازمان‌دهی فعالیت‌های مذهبی در ابعاد مختلف سیاسی و فرهنگی شدند (روسفلسکی ویکهام، ۲۰۰۲).

تحولات معطوف به مدرن‌شدن در این سه کشور، زمینه برای بروز معضلات میان فضاها و سنتی و مدرن را فراهم کرده است. همچنین حضور سنت‌های پرننگ فکری و ایدئولوگ‌های دینی/غیردینی در این کشورها، امکان شکل گرفتن جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را نیز به وجود آورده و از این جهت دغدغه اصلی مؤلف جهت بررسی وضعیت دین در شرایط معاصر در این کشورها را ضرورت بخشیده و برجسته کرده است. در کنار چنین زمینه‌ها و سابقه‌ای، تحولات منطقه‌ای مهمی که در حال حاضر فضای بین‌المللی را به خود معطوف کرده و زندگی روزمره مردم را نیز درگیر خود ساخته، بر ضرورت چنین بررسی‌ای می‌افزاید. در مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به دو پرسش اصلی هستیم: اولاً وضعیت دین با توجه به یافته‌های پیمایش بین‌المللی اینگلهارت در سه کشور مذکور چگونه است؟ و ثانیاً الگوی نظری اینگلهارت با وضعیت دین در این سه کشور چقدر تطابق داشته و چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟ از این‌رو، دو هدف عمده در این پژوهش دنبال می‌شود: بررسی تطبیقی وضعیت دین در مصر، ایران و ترکیه و ارزیابی الگوی نظری اینگلهارت مبتنی بر یافته‌های پیمایش بین‌المللی وی.

مقدمات نظری و فرضیه تحقیق

جایگاه و نقش دین در حیات اجتماعی خصوصاً در شرایط معاصر پروبلماتیک بسیاری از جامعه‌شناسان را شکل داده است؛ چرا که علاوه بر اهمیت دین در نظام‌بخشیدن به حیات اجتماعی به‌ویژه در دوره سنت، رویکردهای احیاگرانه‌ای نیز در حال حاضر شکل گرفته که مفروضات قدیمی جامعه‌شناسان را دستخوش تغییر کرده است. فرضیه مشترکی که میان جامعه‌شناسان کلاسیک رواج داشته، مبتنی بر افول تدریجی دین همراه با افزایش فرایندهای مدرن‌شدن، عقلانی‌شدن، تخصصی‌شدن و توسعه‌یافتگی است. مارکس،

دور کیم و وبر از جمله مهم‌ترین چهره‌های نظری هستند که هریک به انحای مختلف بر چنین فرضی تأکید می‌کنند (مارکس، ۱۳۸۲؛ وبر، ۱۹۹۸: ۱۴۹-۱۴۸؛ مرادی و سرینز، ۲۰۱۱: ۲۳-۲۲). با توجه به تحولات دهه‌های پایانی سده بیستم، به نظر نمی‌رسد فرضیات مذکور درباره جایگاه رو به افول دین همزمان با رواج فرایندهای توسعه‌یافتگی یا مدرن‌شدن واقعی باشند. در دهه‌های معاصر، جریانات اصلاحی مذهبی در نقاط متعددی از دنیا گسترش یافته، جنبش‌های نوظهوری رشد کرده و بنیادگرایی در قالب‌های گوناگون نضج گرفته است. در زمینه طرد فرضیات مارکس، وبر و دور کیم در این زمینه می‌توان به چهار تحول اساسی اشاره کرد که به زعم کازانووا موجب بازگشت دین به عرصه حیات عمومی شده است: وقوع انقلاب اسلامی در ایران؛ ظهور جنبش همبستگی در لهستان؛ نقش کاتولیسیسم در انقلاب سان‌دینیستی در نیکاراگوئه و سایر جنبش‌های سیاسی آمریکای لاتین و ظهور مجدد بنیادگرایی پروتستانی در صحنه سیاست آمریکا. به نظر وی، این چهار تحول که به نحوی مستقل و جدا از یکدیگر اتفاق افتاده، چهره جهان در دهه ۸۰ میلادی را تغییر داده و منجر به حیات مجدد دین و تأثیرگذاری عمیق و گسترده آن در ابعاد مختلف آن شد؛ چیزی که بنابر نظریه سکولارشدن کلاسیک باید به تدریج رو به کاهش گذارد (کازانووا، ۱۹۹۴ به نقل از کاظمی‌پور، ۱۳۸۲: ۴).

این دسته از فرضیات مبتنی بر استیلای خردابزاری و تخصص‌گرایی است که باعث تمایز حوزه‌های مختلف شده و کمیت‌گرایی و کالایی‌شدن فرایندهای تسلط‌یافته‌ای فرض می‌شوند که بر عموم حوزه‌های اجتماعی بسط می‌یابند. از این رو، با گونه‌ای رمززدایی و رازگشایی مواجه هستیم که حاصل غلبه انسان بر خود و طبیعت اطراف خویش است. هرچه سازوکارها و فرایندهای مدرن در میان جوامع معاصر رشد بیشتری یابد، لاجرم از میزان رازآلودگی و سلطه نهادهای دینی نیز کاهش می‌یابد. از این رو، باید چشم به روزی داشت که شاید دین حداقل جایگاه خود را در حیات اجتماعی به حداقل ممکن کاهش دهد (وبر، ۱۹۹۸: ۱۴۸).

با توجه به تحولات معاصری که در جوامع مختلف رخ داده، بسیاری از متفکران به صورت‌های گوناگون، تلاش کرده‌اند تا با ایجاد اصلاحاتی، میزان مطابقت‌پذیری آن با شرایط معاصر را افزایش دهند. از این دسته می‌توان به نظریه‌پردازانی مثال زد که حیات

ذهنی و دینی جوامع را در شرایط معاصر مبتنی بر میزان برخورداری از رفاه یا شرایط مادی تبیین می‌کنند. اینگلهارت هم به لحاظ تجربی در گردآوری داده‌های بین‌المللی تلاش فراوان کرده و هم به لحاظ نظری، اصلاحاتی را به منظور تطبیق‌پذیری بیشتر الگوهای نظری با وضعیت‌های عینی و تجربی اعمال کرده است. وی در الگوهای اصلاح‌شده اخیر خود گرچه بر اهمیت شرایط اقتصادی، رفاهی و مادی نسبت به نگرش‌ها و رفتارها خصوصاً وضعیت دین در جوامع تأکید دارد، اما استقلال نسبی برای این حوزه‌ها نیز قایل است. تمایزاتی که او میان ارزش‌های مادی و متعلقات آن با ارزش‌های فرامادی در تبیین خود فرض می‌کند، حاکی از بسط مفهومی توسعه انسانی نسبت به برداشت‌های قدیمی از توسعه‌های تک‌خطی است که موجب می‌شود ترجیحات انسانی به دلیل برآورده‌شدن نیازهای اساسی، به سمت نیازهای وجودی سوق یابد. به نظر وی، «توسعه اجتماعی - اقتصادی، رشد سطوح امنیت وجودی را که سهم بسیار اساسی در توسعه انسانی ایفا می‌کند، به همراه می‌آورد. این فرایند، افراد را از محدودیت‌های مادی بر انتخاب‌های زندگی رها می‌سازد. این فرایند به رشد ارزش‌های ابراز وجود کمک می‌کند، زیرا موجب تأکید افراد بر اهدافی غیر از هدف صرف بقا می‌گردد» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۷۸).

در فرضیه اصلاح‌شده اینگلهارت، توسعه بسط مفهومی پیدا کرده و فقط در حوزه‌های صنعتی محدود باقی نمی‌ماند. وی تحت تأثیر تقسیم‌بندی جوامع مختلف توسط دانیل بل، شرایط معاصر را در قلمرو «مابعدصنعتی» قلمداد می‌کند و از ساز و کار مفهومی «توسعه انسانی» به عنوان ایده‌ای اصلاح‌شده و منطبق با شرایط معاصر در تبیین وضعیت دین در جوامع کنونی استفاده می‌کند (ر.ک: بل، ۱۳۸۰: ۱۵۹-۱۶۴). فرضیه اصلی که او با اصلاح الگوهای کلاسیک در خصوص وضعیت دین بیان می‌کند، در جمع‌بندی او کاملاً هویداست: «توسعه اجتماعی - اقتصادی، شرایط وجودی بسیار مناسبی به همراه می‌آورد و محدودیت‌های وجودی بر انتخاب مستقلانه انسانی را کاهش می‌دهد. رشد امنیت وجودی به ظهور ارزش‌های ابراز وجود که برای آزادی فردی بر نظم جمعی، تنوع انسانی بر هم‌نوایی گروه و استقلال مدنی بر اقتدای دولتی اولویت قایل می‌شود، کمک می‌کند. ظهور این ارزش‌ها با رشد انتخاب مستقلانه انسانی، نوسازی را به فرایند توسعه انسانی - که

موضوع زیربنایی‌اش رشد نوع جدیدی از جوامع انسان‌گرایانه است - سوق می‌دهد» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۹۱).

بر اساس فرضیه اینگلهارت، دین، رو به افول نیست و به حیات خود همچنان ادامه می‌دهد اما به نظر می‌رسد هرچه جوامع توسعه‌یافتگی بیشتری را تجربه کرده باشند، وضعیت دین در آنها بیشتر به سمت ارزش‌های فرامادی و وجودگرایانه تحول می‌یابد. عکس نقیض این فرضیه نیز صادق است و هرچه کشورهای میزبان توسعه‌یافتگی کمتری داشته باشند، وضعیت دین در آنها به سمت ارزش‌های اساسی برای بقا تحول می‌یابد. در این تحقیق با بررسی وضعیت دین در سه کشور، اعتبار فرضیه اینگلهارت مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه اینگلهارت را در مقایسه با سایر نظریه‌پردازان معاصر اولویت بیشتری می‌دهد، پیمایش‌های بین‌المللی است که او انجام داده تا بتواند وضعیت نگرشی و رفتاری جوامع را رصد کند و تحولات آنها را تبیین کند. داده‌هایی که در تحقیق حاضر به دنبال بررسی ثانوی آن هستیم نیز محصول تلاش‌های او و تیم تحقیقی‌اش است. بنابراین، در نهایت تلاش می‌شود تا با بررسی وضعیت دین در سه کشور نمونه، بتوانیم میزان اعتبار الگوی نظری او را نیز تا حد ممکن ارزیابی کنیم و برخی از نقاط قوت و ضعف آن را برجسته سازیم.

روش‌شناسی

روش مقایسه‌ای به منظور پاسخ‌گویی به پرسش اصلی تحقیق در خصوص برخی از ابعاد وضعیت حیات دینی در این سه کشور، بهترین شیوه برای نیل به اهداف پژوهشی است. گرچه صرفاً کشف نقاط تمایز و شباهت، هدف اصلی مقاله حاضر است اما همان‌طور که دورکیم نیز در فصل پایانی کتاب قواعد روش جامعه‌شناسی به آن اشاره کرده است، تنها روش حجیت‌آور در جامعه‌شناسی - چه در فهم چستی تفاوت‌ها و شباهت‌ها و هم چرایی آن - مقایسه مواردی است که خارج از اختیار جامعه‌شناس است (دورکیم، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

مقایسه دقیق، نیازمند داده‌های تفصیلی است که از طریق پیمایش‌های معتبر فراملی به دست آمده است و امکان چنین بررسی تطبیقی را فراهم می‌سازد. از این‌رو، برای فهم تمایزات و تشابهات حیات دینی در این سه قلمرو اجتماعی، داده‌های مربوط به پیمایش

بین‌المللی اینگلهارت مد نظر قرار می‌گیرد که در امواج مختلف به صورت پانلی انجام شده است. گرچه داده‌های مذکور، بسیار محدود بوده اما منحصراً همین موارد است که می‌تواند اندکی ما را به پاسخ نزدیک سازد. فقر داده‌ای، عمده‌ترین مشکلی است که در چنین پژوهش‌هایی سر راه پاسخ‌گویی به مسائل وجود دارد و راه‌گریزی از آن نیست. بنابراین، مقولات و شاخص‌هایی که مبنای مقایسه قرار گرفته است، خارج از اختیار است و وابسته به داده‌های معتبر پیمایشی است که در این زمینه صورت گرفته است. از جمله مشکلات روش‌شناختی دیگر، امکان تأمین اعتبار^۱ داده‌های مقایسه‌ای از دل پیمایش‌های متفاوت با یکدیگر است که به دلیل فقدان همگنی، نمی‌توان نتایج به دست آمده از مقایسه میان آنها را بالضروره تعمیم داد (والیر، ۱۹۷۱: ۳۱۰-۳۰۹).

علاوه بر این، در صورت دسترسی به پیمایش‌هایی با کیفیت مزبور، شاخص‌های آنها کلی و در برخی موارد، فاقد روایی^۲ لازم به‌منظور سنجش ابعاد مورد نظر است. عمده پیمایش‌های نگرش‌سنجی یا رفتارسنجی به دلیل ضرورت پرداختن به ابعاد متعدد و کلان، در تحلیل‌های ثانویه در پژوهش‌های مختص به حوزه‌ای مشخص، دچار چنین مشکلی می‌شوند. از جمله موانع دیگر، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به هر کشوری است که مفاهیم در آن زمینه معنا و ابعاد خاصی می‌یابد. این سه کشور از جهاتی دارای اشتراکات فرهنگی هستند و از این جهت، چنین مقایسه‌ای تسهیل می‌شود؛ اما عدم توجه به اختصاصات فرهنگی هر یک از کشورها، می‌تواند موجب بدفهمی در مقایسه داده‌ها شود. از جمله دیگر موانع روش‌شناسانه چنین پژوهشی، برخی از گویه‌هاست که در داده‌های مربوط به یک کشور موجود است اما در زمینه فرهنگی دیگر، به دلایل مختلف (از جمله حساسیت پاسخ‌گویان نسبت به آن) پرسیده نشده است. این امر میزان مقولات مقایسه‌پذیر را کاهش می‌دهد.

به هر ترتیب، در این نوشتار تلاش شده است تا با استفاده از داده‌های مأخوذ از پیمایش‌های ارزش‌سنجی و نگرش‌سنجی بین‌المللی اینگلهارت در موج‌نهایی، به تحلیل

1. credibility.

2. Validity.

داده‌هایی پرداخته شود که امکان بررسی ابعاد مختلف حیات دینی در سه کشور ایران، ترکیه و مصر را فراهم کند. پیمایش‌های مذکور در قالب ۵ موج به انجام رسیده است. اولین موج مربوط به بازه زمانی ۸۳-۱۹۸۱ است. موج دوم تا پنجم به ترتیب به بازه‌های زمانی ۹۱-۱۹۸۹، ۹۷-۱۹۹۵، ۲۰۰۱-۱۹۹۰ و ۲۰۰۸-۲۰۰۵ مربوط است. داده‌های تحلیل شده از ایران و ترکیه متعلق به سال ۲۰۰۷ و داده‌های مصر مربوط به سال ۲۰۰۸ است. از میان مقولات متعدد موج پنجم، موارد زیر مورد تحلیل قرار گرفته است که از طریق آن می‌توان به تحلیل حیات دینی پرداخت: اهمیت مذهب، اهمیت سنت، تأمل در معنا و غایت زندگی، اهمیت خدا در زندگی، عبادت کردن و مذهبی بودن. برچسب هر یک از مقولات فوق در پیمایش ارزش‌سنجی به ترتیب عبارتست از: v9، v89، v184، v192، v193 و v187 می‌باشد. در میان مقولات فوق، اهمیت مذهب و اهمیت سنت به صورت جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته؛ چراکه به نظر می‌رسد با توجه به زمینه اجتماعی و فرهنگی سه کشور نمونه، «سنت» واجد معنای عامی نسبت به «مذهب» است و از این جهت، قابل درج ذیل یکدیگر نیستند. سایر متغیرها هر یک به نوعی سنجش نگرش‌ها، ارزش‌ها یا رفتار مذهبی را در هر یک از کشورهای منتخب نشان می‌دهند. همان‌طور که بیان شد، به دلیل روند ثانوی تحلیل داده‌هایی که از پیش گردآوری شده است، امکان شاخص‌سازی دقیقی متناسب با تعاریف از پیش تعیین شده وجود ندارد و صرفاً می‌توان متناسب‌ترین متغیرها و گویه‌های مرتبط با هر یک را تجزیه و تحلیل کرد.

متناسب با روند پیمایش‌های جهانی ارزش‌سنجی، نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده و امکان تعمیم به جمعیت آماری کشور نمونه را داراست. در این موج، ۲۵۶۰۰۰ نمونه از ۸۷ کشور به صورت تصادفی متناسب با حجم جمعیت آماری انتخاب شده است. تعداد نمونه‌های کشور مصر ۳۰۵۱ پاسخگو، ایران ۲۶۶۷ پاسخگو و ترکیه ۱۳۴۶ پاسخگو می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه، مبتنی بر گویه‌های از پیش تعیین شده است؛ البته متناسب با وضعیت فرهنگی هر یک از ۸۷ کشور که امکان مقایسه در زمان با توجه به تحولات تاریخی هر یک از جوامع را داشته و همچنین امکان مقایسه بر زمان با توجه به تمایزات و تشابهات مربوط به هر یک از جوامع مذکور را نیز دارا باشد. در مقاله حاضر به بعد دوم از داده‌های گردآوری شده تأکید و تمرکز شده است.

متناسب با مقولات شش گانه، به ترتیب وضعیت هریک از سه کشور به صورت مقایسه‌ای سنجیده می‌شود. مقایسه میانگین‌ها مبتنی بر نتایج واریانس یک طرفه محاسبه و صورت پذیرفته است. در تحلیل واریانس یک طرفه، «آزمون همگنی واریانس»^۱ محاسبه شده و پیش شرط استفاده از آزمون F متناسب با این شرط که واریانس گروه‌های وابسته به هریک از سه کشور، آیا در خصوص شش مقوله مورد بررسی، یکسان است یا نه؟ در صورت حصول چنین شرطی پس از آزمون F، به مقایسه چندجانبه تفاوت میانگین‌های مربوط به هریک از مقولات در سه کشور مصر، ایران و ترکیه پرداخته می‌شود. به این منظور از آزمون‌های شفه^۲ و ال.اس.دی^۳ استفاده شده و معناداری تفاوت سنجیده می‌شود. در صورت معنادار شدن، یعنی فرض H صفر (فرض فقدان تفاوت میانگین‌ها) رد شده و در این صورت تفاوت میان میانگین‌ها معنی‌دار خواهد بود.

مقایسه وضعیت دین در سه کشور مصر، ایران و ترکیه

۱. اهمیت مذهب

نتایج بررسی آمارهای بین دو متغیر مربوط به ملیت مصری، ایرانی و ترک با اهمیت مذهب، حاکی از آن است که وضعیت اهمیت مذهب، مطابق با داده‌های مندرج در جدول شماره ۱ به ترتیب در کشورهای مصر، ایران و ترکیه عبارتند از: ۱/۰۵، ۱/۲۸ و ۱/۳۶.

جدول ۱: توصیف آماری میزان اهمیت مذهب برحسب ملیت مصری، ایرانی و ترک

ملیت	تعداد معتبر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مصری	۳۰۵۰	۱/۰۵	۰/۲۵	۰/۰۰۵
ایرانی	۲۶۵۹	۱/۲۸	۰/۶۰	۰/۰۱۲
ترک	۱۳۴۴	۱/۳۶	۰/۷۱	۰/۰۲۰
جمع	۷۰۵۳	۱/۲۰	۰/۵۳	۰/۰۰۶

1. Homogeneity of Variance Test.

2. Scheffe.

3. L.S.D.

میانگین به دست آمده بر اساس کدهای ارزش گذاری مربوط به پاسخ‌ها قابل ارزیابی است. پاسخ‌ها بر اساس کد ۱ که حاوی بیشترین میزان اهمیت برای بسیار مهم، ۲ نسبتاً مهم، ۳ نه چندان مهم و ۴ بی‌اهمیت رتبه‌بندی شده است. بنابراین، به دلیل رتبه‌بندی معکوس در کد گذاری، با افزایش میزان میانگین از میزان اهمیت مذهب کاسته می‌شود. از این رو، اهمیت مذهب نزد مصری‌ها بیشتر از ایرانی‌ها و ترک‌ها و نزد ایرانی‌ها بیشتر از ترک‌هاست. میانگین کل سه کشور ۱/۲ است که نشانگر اهمیت بالای مذهب نزد هر سه ملیت است. تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز به دلیل معنادار شدن «آزمون همگنی واریانس»ها با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) قابل سنجش است. در جدول شماره ۲ وضعیت آزمون میانگین‌ها درج شده است:

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در خصوص اهمیت مذهب در مصر، ایران و ترکیه

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
واریانس بین گروهی	۱۲۴/۷۱۱	۲	۶۲/۳۵۵	۲۳۶/۱۷۶	۰/۰۰۰
واریانس درون گروهی	۱۸۶۱/۳۴	۷۰۵۰	۰/۲۶		
واریانس کل	۱۹۸۶/۰۶	۷۰۵۲	-		

با توجه به داده‌های فوق، میزان f برابر با ۲۳۶/۱۷۶ و با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) ارزیابی شده است. تفسیر این آزمون، حکایت از آن دارد که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان میان میانگین‌های مذکور در خصوص اهمیت مذهب، متعلق به سه حوزه مصر، ایران و ترکیه، تفاوت معناداری قایل شد. پس از تأیید فرض یکسان بودن واریانس‌ها، از آزمون‌های پسینی مربوطه استفاده می‌شود. نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی در جدول شماره ۳ درج شده است. در جدول زیر، اعداد بالای قطر سطوح معناداری و اعداد پایین تفاوت میانگین‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی درباره میزان اهمیت مذهب در مصر، ایران و ترکیه

آزمون‌های پسین	حوزه مطالعه	مصر	ایران	ترکیه
آزمون Scheffe	مصر	-	sig=۰/۰۰۰	sig=۰/۰۰۰
	ایران	۰/۲۳۶	-	sig=۰/۰۰۰
	ترکیه	۰/۳۱۵	۰/۰۷۹	-
آزمون L. S. D	مصر	-	sig=۰/۰۰۰	sig=۰/۰۰۰
	ایران	۰/۲۳۶	-	sig=۰/۰۰۰
	ترکیه	۰/۳۱۵	۰/۰۷۹	-

آزمون‌های شفه و ال. اس. دی، نشانگر آن است که ترک‌ها به طور معناداری کمتر از ایرانی‌ها و مصری‌ها و مصری‌ها به طور معناداری در مقایسه با ترک‌ها و ایرانی‌ها برای مذهب اهمیت بالاتری قایل‌اند. چنین تفاوتی نیز با اطمینان ۹۹ درصد قابل تعمیم به کل جمعیت آماری می‌باشد.

۲. اهمیت سنت

همان‌طور که اشاره شد، میان «مذهب» و «سنت»، تطابق کاملی برقرار نیست و برخی از ابعاد مربوط به سنت هست که ضرورتاً مذهبی نیست. بررسی وضعیت اهمیت سنت، حاکی از آن است که مطابق با داده‌های مندرج در جدول شماره ۴ به ترتیب در کشورهای مصر، ایران و ترکیه عبارتند از: ۱/۲۸، ۲/۱۹ و ۱/۹۵.

جدول ۴: توصیف آماری میزان اهمیت سنت برحسب ملیت مصری، ایرانی و ترک

ملیت	تعداد معتبر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مصری	۳۰۴۹	۱/۲۸	۰/۷۳	۰/۰۱
ایرانی	۲۶۵۴	۲/۱۹	۱/۲۲	۰/۰۲
ترک	۱۳۲۲	۱/۹۵	۱/۰۸	۰/۰۳
جمع	۷۰۲۵	۱/۷۵	۱/۰۹	۰/۰۱

وضعیت میانگین‌ها بر اساس کدهای ارزش‌گذاری مربوط به پاسخ‌ها قابل ارزیابی است. پاسخ‌ها بر اساس کد ۱ به عنوان بیشترین میزان اهمیت سنت تا کد ۶ به عنوان پایین‌ترین سطح رتبه‌بندی شده است. از این‌رو، برای تحلیل وضعیت میانگین‌ها، لازم است به روند معکوس کدگذاری توجه شود. بنابراین، به دلیل شیوه کدگذاری، با افزایش میزان میانگین از میزان اهمیت سنت، کاسته می‌شود. از این‌رو، اهمیت سنت نزد مصری‌ها بیشتر از ترک‌ها و ایرانی‌ها و نزد ترک‌ها بیشتر از ایرانی‌هاست. میانگین کل سه کشور ۱/۷۵ است که نشانگر اهمیت نسبتاً بالای سنت نزد هر سه ملیت است. مقایسه وضعیت میانگین‌ها در خصوص مقوله اهمیت مذهب و سنت، حاکی از عدم تطبیق میان این دو است. بر اساس این داده‌ها، مذهب نزد ایرانی‌ها واجد اهمیت بالاتری نسبت به سنت است. تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز به دلیل معنادار شدن «آزمون همگنی واریانس»‌ها با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) قابل سنجش است. در جدول شماره ۵ وضعیت آزمون میانگین‌ها درج شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در خصوص اهمیت سنت در مصر، ایران و ترکیه

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
واریانس بین گروهی	۱۲۴۳/۷۹	۲	۶۲۱/۸۹	۶۰۵/۴۰	۰/۰۰۰
واریانس درون گروهی	۷۲۱۳/۲۶	۷۰۲۲	۱/۰۲		
واریانس کل	۸۴۵۷/۰۵	۷۰۲۴	-		

با توجه به داده‌های فوق، میزان f برابر با ۶۰۵/۴۰ و با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) ارزیابی شده است. تفسیر این آزمون، نشان‌گر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان میان میانگین‌های مذکور در خصوص اهمیت سنت، متعلق به سه حوزه مصر، ایران و ترکیه تفاوت معناداری قایل شد. پس از تأیید فرض یکسان‌بودن واریانس‌ها، از آزمون‌های پسینی مربوطه استفاده می‌شود. نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی در جدول شماره ۶ درج شده است. همان‌طور که اشاره شد، اعداد بالای قطر سطوح معناداری و اعداد پایین تفاوت میانگین‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۶: نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی درباره میزان اهمیت سنت در مصر، ایران و ترکیه

ترکیه	ایران	مصر	حوزه مطالعه	آزمون‌های پسین
sig=۰/۰۰۰	sig=۰/۰۰۰	-	مصر	آزمون Scheffe
sig=۰/۰۰۰	-	-۰/۹۱	ایران	
-	۰/۲۴	-۰/۶۶	ترکیه	
sig=۰/۰۰۰	sig=۰/۰۰۰	-	مصر	آزمون L. S. D
sig=۰/۰۰۰	-	-۰/۹۱	ایران	
-	۰/۲۴	-۰/۶۶	ترکیه	

آزمون‌های شفه و ال. اس. دی، نشانگر آن است که میزان اهمیت سنت نزد ترک‌ها و ایرانی‌ها در مقایسه با مصری‌ها منفی و معکوس است. نسبت میان ایرانی‌ها در مقایسه با ترک‌ها نیز مثبت است و حاکی از آن است که (متناسب با ارزش‌های کدگذاری) ترک‌ها میزان اهمیت بالاتری برای سنت در مقایسه با ایرانی‌ها قایل‌اند. چنین تفاوتی نیز با اطمینان ۹۹ درصد قابل تعمیم به کل جمعیت آماری می‌باشد.

۳. تأمل در معنا و غایت زندگی

ادیان به‌طور عمده واجد نوعی جهان‌بینی و معنای کلی است که می‌تواند زمینه شکل‌گیری نوعی هویت مشخص را برای پیروان خود فراهم کند. این نظام معنایی توجه‌کننده برخی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی بشر هستند. مسائلی از جمله منشأ حیات، جاودانگی، مرگ و... می‌شود. گرچه اندیشیدن افراد به معنا و غایت زندگی که از زمره چنین مواردی است، ضرورتاً ملازم با نوعی عمل دینی نیست و کلیه افراد می‌توانند در طول زندگی به‌ویژه در شرایط بحرانی به چنین مسائلی بیندیشند اما به عنوان بخشی از حیات دینی نیز قابل سنجش است (زکریا، ۲۰۱۰: ۲۴-۲۵). مطابق با داده‌های مندرج در جدول شماره ۷ به ترتیب در کشورهای مصر، ایران و ترکیه میانگین چنین مقوله‌ای عبارتند از: ۱/۶۴، ۱/۶۵ و ۱/۶۳.

جدول ۷: توصیف آماری میزان تأمل در معنا و غایت زندگی برحسب ملیت مصری، ایرانی و ترک

ملیت	تعداد معتبر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مصری	۳۰۴۳	۱/۶۴	۰/۸۴	۰/۰۱
ایرانی	۲۶۳۷	۱/۶۵	۰/۷۲	۰/۰۱
ترک	۱۳۳۷	۱/۶۳	۰/۷۱	۰/۰۲
جمع	۷۰۱۷	۱/۶۴	۰/۷۷	۰/۰۰

به منظور بررسی وضعیت میانگین‌ها لازم است شیوه کدگذاری گزینه‌ها ابتدائاً بررسی شود. پاسخ‌ها بر اساس ۴ گزینه غالباً (کد ۱)، بعضی اوقات (کد ۲)، به ندرت (کد ۳) و هیچ‌گاه (کد ۴) ارزش‌گذاری شده‌اند. بر این اساس، بیشترین میزان تأمل در معنای زندگی متعلق به ترک‌ها، سپس مصری‌ها و در نهایت ایرانی‌هاست. اما همان‌طور که ملاحظه می‌شود تفاوت میان هر یک از سه میانگین ۰/۰۱ است. عمده پاسخ‌گویان در حد نسبتاً بالایی نسبت به معنا و غایت زندگی تأمل می‌کنند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقایسه این متغیر با دو مقوله اهمیت مذهب و سنت، نشانگر آن است که ضرورتاً این سه با یکدیگر مطابق نیست. ترک‌ها که در این مقوله جایگاه بالاتری را به خود اختصاص داده‌اند در سایر مقولات نسبت به دو ملیت دیگر چنین نیستند. تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز به دلیل معنادار شدن «آزمون همگنی واریانس»‌ها با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) قابل سنجش است. در جدول شماره ۸ وضعیت آزمون میانگین‌ها درج شده است:

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه میزان تأمل در معنا

و غایت زندگی در مصر، ایران و ترکیه

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
واریانس بین گروهی	۰/۲۴۳	۲	۰/۱۲	۰/۲۰	۰/۸۱۸
واریانس درون گروهی	۴۲۴۹/۶۲	۷۰۱۴	۰/۶۰		
واریانس کل	۴۲۴۹/۸۶	۷۰۱۶	-		

با توجه به داده‌های فوق، میزان f برابر با $۰/۲۰$ و با سطح معناداری ($\text{sig}=۰/۸۱۸$) ارزیابی شده است. تفسیر این آزمون، نشان‌گر آن است که فرض معناداری تفاوت میانگین‌ها رد شده است و نمی‌توان فرض H_0 صفر (فرض عدم تفاوت میان میانگین‌ها) را رد کرد. از این جهت، تفاوت معناداری میان میزان تأمل در معنا و غایت زندگی در این سه کشور مشاهده نمی‌شود. بنابراین، آزمون‌های شفه و ال. اس. دی، نیز محلی از اعراب ندارند و معنادار نمی‌شوند. بنابراین نیازی به ذکر نتایج آن نیز در میان نیست.

۴. اهمیت خدا در زندگی

گرچه تمامی ادیان به موجودی ماوراء طبیعی با عنوان «خدا» اعتقاد ندارند و برخی همچون بودیسم، فارغ از چنین باور بنیادین ماورایی هستند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۳۸-۴۲)، اما با توجه به زمینه مذهبی این سه کشور و سلطه ادیان ابراهیمی نسبت به سایر ادیان یا مذاهب، این گویه (سنجه)، می‌تواند جنبه‌ای از حیات دینی را مورد سنجش قرار دهد. بررسی وضعیت اهمیت خدا در زندگی، نشان‌گر آن است که مطابق با داده‌های مندرج در جدول شماره ۹ به ترتیب در کشورهای مصر، ایران و ترکیه میانگین میزان اهمیت به خدا عبارت است از: ۹/۹۱، ۹/۴۳ و ۹/۳۶.

جدول ۹: توصیف آماری میزان اهمیت خدا در زندگی برحسب ملیت مصری، ایرانی و ترک

ملیت	تعداد معتبر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مصری	۳۰۴۹	۹/۹۱	۰/۷۰	۰/۰۱
ایرانی	۲۶۵۵	۹/۴۳	۱/۵۴	۰/۰۳
ترک	۱۳۳۹	۹/۳۶	۱/۵۳	۰/۰۴
جمع	۷۰۴۳	۹/۶۲	۱/۲۷	۰/۰۱۵

وضعیت میانگین‌ها بر اساس کدهای ارزش‌گذاری مربوط به پاسخ‌ها قابل ارزیابی است. پاسخ‌ها در طیفی مندرج بر اساس رتبه‌های ۱ تا ۱۰ کدگذاری شده است. کد ۱

متعلق به کسانی است که اهمیتی برای خدا در زندگی قایل نیستند و کد ۱۰ مخصوص پاسخ‌گویانی است که اهمیت زیادی قایل‌اند. بنابراین، با افزایش میزان میانگین، بر میزان اهمیت نزد یک ملیت نیز افزوده می‌شود. با توجه به داده‌های مندرج در جدول فوق، به ترتیب مصری‌ها بیشتر از ایرانی‌ها و ایرانی‌ها بیشتر از ترک‌ها برای خدا در زندگی روزمره اهمیت قایل‌اند. ظاهراً می‌توان تناسبی میان این مقوله با اهمیت مذهب مشاهده کرد. به نظر می‌رسد، «خدا» به دلیل اینکه در کانون ادیان رسمی این سه کشور قرار دارد و فارغ از تفاسیر و اختلافاتی که میان ادیان ابراهیمی در این زمینه هست، اما آموزه‌ای اصلی است که محور سایر باورها و مناسک در ادیان محسوب می‌شود. از این رو، انتظار می‌رود که با افزایش سطح اهمیت مذهب، بر اهمیت خدا در زندگی نیز افزوده شود. تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز به دلیل معنادار شدن «آزمون همگنی واریانس»‌ها با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) قابل‌سنجش است. در جدول شماره ۱۰ وضعیت آزمون میانگین‌ها درج شده است:

جدول ۱۰: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در خصوص

اهمیت خدا در زندگی در مصر، ایران و ترکیه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
واریانس بین گروهی	۴۴۲/۲۱	۲	۲۲۱/۱۰	۱۴۱/۵۷	۰/۰۰۰
واریانس درون گروهی	۱۰۹۹۴/۷	۷۰۴۰	۱/۵۶		
واریانس کل	۱۱۴۳۷	۷۰۴۲	-		

با توجه به داده‌های فوق، میزان f برابر با ۱۴۱/۵۷ و با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) ارزیابی شده است. تفسیر این آزمون، نشان‌گر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان میان میانگین‌های مذکور در خصوص اهمیت خدا در زندگی روزمره، متعلق به سه حوزه مصر، ایران و ترکیه تفاوت معناداری قایل شد. پس از تأیید فرض یکسان بودن واریانس‌ها،

از آزمون‌های پسینی مربوطه استفاده می‌شود. نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی، در جدول شماره ۱۱ درج شده است:

جدول ۱۱: نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی درباره میزان اهمیت خدا در زندگی در مصر، ایران و ترکیه

آزمون‌های پسین	حوزه مطالعه	مصر	ایران	ترکیه
آزمون Scheffe	مصر	-	sig=۰/۰۰۰	sig=۰/۰۰۰
	ایران	۰/۴۸	-	sig=۰/۲۴
	ترکیه	۰/۵۵	-۰/۰۷	-
آزمون L. S. D	مصر	-	sig=۰/۰۰۰	sig=۰/۰۰۰
	ایران	۰/۴۸	-	sig=۰/۰۹
	ترکیه	۰/۵۵	-۰/۰۷	-

آزمون‌های شفه و ال. اس. دی، نشانگر آن است که میزان اهمیت خدا در زندگی نزد مصری‌ها در مقایسه با ایرانی‌ها و ترک‌ها به نحو معناداری متفاوت است. اما تفاوت میانگین‌های مربوط به این مقوله، میان ترک‌ها و ایرانی‌ها معنادار نیست. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میزان معناداری در دو آزمون فوق متفاوت ارزیابی شده، اما میزان معناداری آزمون ال. اس. دی هم از ۰/۰۵ بیشتر است و نمی‌توان چنین تفاوتی را معنادار قلمداد کرد. آنچه می‌تواند چنین وضعیتی را توجیه کند، نسبت میان اهمیت مذهب با اهمیت خدا در زندگی است. هنگامی که سطح اهمیت مذهبی، افزایش قابل توجهی در مقایسه با سایر گروه‌ها پیدا می‌کند، می‌توان انتظار آن را داشت که اهمیت خدا در زندگی نیز به نحو معناداری تغییر یابد.

۵. اهتمام به عبادت

مناسک و عبادات از جمله مهم‌ترین ابعاد مربوط به حیات دینی محسوب می‌شوند که امکان قوام یافتن، نافذ شدن و شکل‌گیری اعمال همگون میان تعداد قابل توجهی از پیروان یک دین را فراهم می‌کند. شکل خاص این اعمال در کنار زمان‌مند و مکان‌مند بودن عمده

آنها، فرم تجارب منحصر به فرد افراد را نیز تعیین می‌بخشد و همین امر می‌تواند زمینه را برای بسط روحیات و تجربیات برآمده از تعالیم دینی خاص در بستر تاریخی را فراهم کند. به دلیل فقدان داده‌های مقایسه‌پذیر میان این سه کشور در خصوص وضعیت اهتمام به مناسک اجتماعی در کنار مناسک و عبادات فردی، نمی‌توان الگوی کاملی در این زمینه ارائه کرد. نقصانی که به دلیل فقر داده‌ای، امکان برطرف کردن آن در حال حاضر نیست. به هر ترتیب، بررسی میزان اهتمام کنشگران در سه کشور مصر، ایران و ترکیه به عبادت حاکی از آن است که مطابق با داده‌های مندرج در جدول ۱۲ به ترتیب این میزان عبارتست از: ۱/۰۶، ۱/۰۵ و ۱/۰۴.

جدول ۱۲: توصیف آماری میزان اهتمام به عبادت برحسب ملیت مصری، ایرانی و ترک

ملیت	تعداد معتبر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مصری	۲۹۰۰	۱/۰۶	۰/۲۳	۰/۰۰
ایرانی	۲۶۶۲	۱/۰۵	۰/۲۲	۰/۰۰
ترک	۱۳۲۷	۱/۰۴	۰/۱۹	۰/۰۰
جمع	۶۸۸۹	۱/۰۵	۰/۲۲	۰/۰۰

به منظور بررسی وضعیت میانگین‌ها، لازم است ابتدا شیوه کدگذاری بررسی شود. به پاسخ‌های مثبت کد ۱ و پاسخ‌های منفی کد ۲ اختصاص یافته و این به معنای روند معکوس ارزش‌گذاری کمی است. به عبارت دیگر، با افزایش میانگین‌ها از میزان اهتمام به عبادت کاسته می‌شود. بر این اساس، ترک‌ها بیشتر از ایرانی‌ها و مصری‌ها و ایرانی‌ها بیشتر از مصری‌ها به عبادت اهتمام دارند. از این رو، ضرورتاً تلازمی میان اهتمام پاسخ‌گویان به عبادت و میزان اهمیتی که برای دین یا خدا در زندگی قایل‌اند، مشاهده نمی‌شود. می‌توان از جمله دلایل چنین امری را افزایش گونه‌های عبادت در وضعیت معاصر دانست. عبادت ظاهراً انحصاری در مناسک سنتی و رسمی ندارد و گونه‌ها و فرم‌های متعددی یافته است. اما نکته قابل توجه، تفاوت بسیار اندک میان این سه گروه می‌باشد؛ به گونه‌ای که تفاوت میانگین‌ها در حد ۰/۰۱ است. تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز به دلیل معنادار شدن «آزمون

همگنی واریانس»ها با سطح معناداری ($\text{sig}=0/000$) قابل سنجش است. در جدول شماره ۱۳ وضعیت آزمون میانگین‌ها درج شده است:

جدول ۱۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در خصوص میزان اهتمام به عبادت در مصر، ایران و ترکیه

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
واریانس بین‌گروهی	۰/۲۷۵	۲	۰/۱۳۸	۲/۸۲۶	۰/۰۵۹
واریانس درون‌گروهی	۳۳۵/۵۳	۶۸۸۶	۰/۰۴۹		
واریانس کل	۳۳۵/۸	۶۸۸۸	-		

با توجه به داده‌های فوق، میزان f برابر با ۲/۸۲۶ و با سطح معناداری ($\text{sig}=0/059$) ارزیابی شده است. تفسیر این آزمون، نشان‌گر آن است که تفاوت میان میانگین‌ها معنادار نیست. بر این اساس آزمون‌های پسینی که مبتنی بر معناداری واریانس یک‌طرفه است، معنایی نخواهد داشت. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، تفاوت معناداری میان میزان اهتمام عبادت این سه کشور ملاحظه نمی‌شود؛ گرچه به لحاظ میزان اهمیتی که برای دین یا خدا در زندگی روزمره قایلند، تفاوت معنادار وجود دارد.

۶. مذهبی بودن پاسخ‌گویان

در کنار شاخص میزان اهتمام به عبادت، التزام ظاهری به مذهب و بروز و ظهور چنین امری نیز تعیین‌کننده است. از جمله اهداف اصلی ادیان، تأثیرگذاری بر شیوه رفتار انسان‌ها در زندگی روزمره مطابق با آموزه‌ها و تعالیم مطلوب آن دین است. به عبارت دیگر، لازم است مشخص شود که چه میزان افراد خود را نیز به صورت عملی و عینی درگیر با ابعاد مذهبی قلمداد می‌کنند. بررسی میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان حاکی از آن است که مطابق با داده‌های مندرج در جدول شماره ۱۴ میانگین مربوطه، به ترتیب در کشورهای مصر، ایران و ترکیه عبارتند از: ۱/۰۷، ۱/۱۶ و ۱/۱۹.

جدول ۱۴: توصیف آماری میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان برحسب ملیت مصری، ایرانی و ترک

ملیت	تعداد معتبر	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار
مصری	۳۰۴۱	۱/۰۷	۰/۲۵۲	۰/۰۰۵
ایرانی	۲۵۷۷	۱/۱۶	۰/۳۷۴	۰/۰۰۷
ترک	۱۳۲۱	۱/۱۹	۰/۴۰۴	۰/۰۱۱
جمع	۶۹۳۹	۱/۱۳	۰/۳۳۷	۰/۰۰۴

به منظور بررسی وضعیت میانگین‌ها، لازم است شیوه کد گذاری مورد توجه قرار گیرد. با افزایش کدها، بر میزان غیرمذهبی بودن نیز افزوده می‌شود. کد ۱ متعلق به کسانی است که کاملاً مذهبی هستند. کد ۲ متعلق به کسانی است که مذهبی نیستند و کد ۳ متعلق به کسانی است که خود را کاملاً ملحد قلمداد می‌کنند. مطابق با چنین روند معکوسی باید ارزش میانگین‌ها را نیز چنین ارزیابی کرد. به ترتیب، میزان مذهبی بودن در میان سه کشور، متعلق به مصر، ایران و ترکیه است. تناسبی میان این میزان با وضعیت مقولات اهمیت دین و خدا در زندگی قابل مشاهده است. آنچه اهمیت دارد آن است که افرادی که برای دین یا خدا اهمیت قایل‌اند، طبعاً خود را نیز فردی دیندار می‌پندارند. اما ضرورتاً چنین امری به التزام عبادی و مناسکی کشیده نمی‌شود. تحلیل واریانس یک‌طرفه نیز به دلیل معنادار شدن «آزمون همگنی واریانس»ها با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰) قابل سنجش است. در جدول شماره ۱۵ وضعیت آزمون میانگین‌ها درج شده است:

جدول ۱۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه در خصوص

میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان در مصر، ایران و ترکیه

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
واریانس بین گروهی	۱۸/۷۰	۲	۹/۳۵۱	۸۴/۳۷۵	۰/۰۰۰
واریانس درون گروهی	۷۶۸/۷۰	۶۹۳۹	۰/۱۱۱		
واریانس کل	۷۸۷/۴۱	۶۹۳۸	-		

با توجه به داده‌های فوق، میزان f برابر با $۸۴/۳۷۵$ و با سطح معناداری ($\text{sig}=۰/۰۰۰$) ارزیابی شده است. این میزان، حاکی از آن است که با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان میان میانگین‌های مذکور در خصوص میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان در سه حوزه مصر، ایران و ترکیه تفاوت معناداری قایل شد. پس از تأیید فرض یکسان بودن واریانس‌ها، از آزمون‌های پسینی مربوطه استفاده می‌شود. نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی، در جدول شماره ۱۶ درج شده است.

جدول ۱۶: نتایج آزمون شفه و ال. اس. دی درباره
میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان در مصر، ایران و ترکیه

ترکیه	ایران	مصر	حوزه مطالعه	آزمون‌های پسین
$\text{sig}=۰/۰۰۰$	$\text{sig}=۰/۰۰۹$	-	مصر	آزمون Scheffe
$\text{sig}=۰/۱۷۸$	-	۰/۰۹	ایران	
-	۰/۰۲	۰/۱۱	ترکیه	
$\text{sig}=۰/۰۰۰$	$\text{sig}=۰/۰۰۹$	-	مصر	آزمون L. S. D
$\text{sig}=۰/۰۶۳$	-	۰/۰۹	ایران	
-	۰/۰۲	۰/۱۱	ترکیه	

آزمون‌های شفه و ال. اس. دی، نشانگر آن است که میزان مذهبی بودن پاسخ‌گویان مصری به صورت معناداری بیشتر از ایرانی‌ها و ترک‌هاست اما تفاوت میان میزان مذهبی بودن ایرانی‌ها و ترک‌ها معنادار نیست. حتی بر اساس آزمون ال. اس. دی نیز تفاوت میان این دو گروه معنادار نیست.

ارزیابی الگوی اینگلهارت در تبیین وضعیت دین

الگوی نظری اینگلهارت، متناسب با شرایط معاصر ایده‌های نخست در باب افول دین در جامعه را اصلاح کرد. گرچه نوگرایی منجر به تقویت فرایند عرفی شدن در نقاطی از جهان شده، اما به طور همزمان جنبش‌های ضد مدرنی را هم برانگیخته و تحریک کرده است.

چنین جنبش‌هایی به‌ویژه در کشورهایمانند نمونه‌های تحقیق حاضر (ایران، ترکیه و مصر) که از سنت فکری و دینی در مواجهه با فرایندهای مدرن دارند، قابل توجه است. همچنین عرفی شدن در سطح اجتماعی ضرورتاً مرتبط با عرفی شدن در سطح خودآگاهی فردی نیست. علی‌رغم کاهش قدرت نهادهای مذهبی، با این وجود عقاید و کنش‌های مذهبی همچنان در زندگی افراد استمرار یافته است که گاهی حالت نهادی جدید را به خود می‌گیرد و گاهی به اشتیاق و التهابی انفجاری منجر می‌شود. در فرضیه اینگلهارت، تقلیل‌گرایی برخی الگوهای ابتدایی در نظریات نوسازی دیده نمی‌شود اما پیچیدگی روابط میان وضعیت دین در جوامع و فرایند نوگرایی دیده نشده است. رابطه میان آنها، رابطه بسیار پیچیده‌تری است. به صورت حداقلی، نهادهای دینی شناخته شده، حتی زمانی که عده کمی از مردم عقاید دینی دارند یا دینی عمل می‌کنند، می‌توانند نقش‌های اجتماعی و سیاسی بازی کنند. جنبش‌های دینی در تاریخ سه کشور نمونه، در حین رونق و گسترش روندهای نوگرایانه، حاکی از این امر است. از دو طریق عمده: طرد یا انطباق، تقابل میان فضای نوگرایانه مدرن و آرمان‌های مذهبی تحقق می‌یابد (ر.ک: برگر، ۱۹۹۹: ۳).

در مقایسه با الگوهای اولیه نقطه قوت الگوی اینگلهارت، توجه به جایگاه دین در شرایط معاصر و تلاش او برای تطبیق‌پذیری بیشتر نظریه نوسازی با چنین شرایطی است. حتی جوامع معاصر در حال توسعه که درگیری بیشتری با سازوکارهای نوسازی دارند، لزوماً بی‌دین‌تر از سایر جوامع نخواهند بود. نقطه ضعفی که این الگو در توجیه یافته‌های بین‌المللی با تأکید بر نمونه‌های پژوهش حاضر دارد، عدم توجه به تغییر شیوه‌های حیات دینی است. سنخ‌ها و صور مواجهه دینی در حال حاضر تنوع بیشتری یافته و همراه با جریان توسعه، فرم‌های متنوع‌تری پیدا کرده که ضرورتاً تمامی ابعاد آن در حوزه کردارهای عمومی قابل جست‌وجو نیست. تلاش اینگلهارت برای تقسیم‌بندی ارزش‌ها به دو بخش مادی/فرامادی و ابتناء آنها به وضعیت‌های توسعه‌یافتگی و برخورداری از رفاه ممکن است در سطحی کلان با برخی روندهای موجود در کشورهای صنعتی پیشرفته تطبیق بیشتری داشته باشد، اما به واسطه آن امکان تبیین نسبت به وضعیت دین در کشورهایمانند ترکیه، ایران و مصر کاهش می‌یابد. شاخص عدم تطابق فرضیه اینگلهارت با داده‌های مذکور،

عبارت است از اینکه «تولید ناخالص داخلی»^۱ کشورها به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی، تناسب معناداری با کاهش یا تغییر وضعیت دین ندارد. متناسب با گزارش صندوق بین‌المللی پول به ترتیب: ترکیه با ۷۲۹۰۵۱ میلیون دلار در رتبه ۱۷، ایران با ۳۳۷۹۰۱ میلیون دلار در رتبه ۲۹ و مصر با ۲۱۶۸۳۰ میلیون دلار در رتبه ۴۰ قرار دارد.^۲ بنا بر این فرضیه، نمی‌توان ترکیه را دارای کمترین میزان حیات دینی و مصر را دارای بالاترین حیات دینی دانست.

اینکلهارت، گرچه توسعه را در سطوح مختلف با عنوان «توسعه انسانی» دنبال می‌کند، اما همچنان منطق الگویی که برخی کلاسیک‌ها از جمله مارکس بر آن تأکید داشته‌اند را مد نظر قرار داده است. بر اساس چنین الگویی، عامل تعیین‌کننده که میانجی اصلی تبیین وضعیت دین و تحولات آن محسوب می‌شود، شیوه امرار معاش و زیست تاریخی انسان‌هاست. کیفیت برآوردن نیازهای اساسی انسانی، مواجهه دینی و برساخته‌های هنجاری آن را تعیین می‌کند. میزان برخورداری از رفاه، ملازم با تسلط بر منابع و کالاهاست. سلطه بر منابع عمده‌تأ در اختیار کارتل‌های صنعتی و فراتر از آن بنگاه‌های اطلاعاتی - ارتباطی است که به صورت فراملیتی و چندگانه عمل می‌کنند. نتیجه آن تولید انواع گوناگونی از کالاهاست که در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد. بر اساس این فرض، منبع اصلی تبیین تمایزات در تولید و مصرف، به شیوه تولید و مصرف بازمی‌گردد. بر این اساس است که اینکلهارت، قادر می‌شود تا تمایز میان سنخ‌های مختلف نگرشی و ارزش‌شناختی را تبیین کند. به نظر می‌رسد، نقطه ضعف عمده‌ای که چنین تبیینی همچنان داراست، فقدان توجه به سویه‌های خاص و منحصر به فرد وضعیت دین در جوامعی است که در مواجهه با فرایندهای نوسازی، از استقلال بیشتری نسبت به گذشته نیز برخوردار شده است و صرفاً نمی‌توان آن را به صورت تبعی مورد تبیین قرار داد. یافته‌های پیمایش اینکلهارت، حاکی از آن است که در سه شاخص اهمیت دین، اهمیت خدا در زندگی و میزان مذهبی بودن مصر بالاتر از ایران و ترکیه و ایران بالاتر از ترکیه قرار دارد و تفاوت معناداری میان میانگین‌های

1. GDP.

۲. مراجعه شود به: www.imf.org (سایت رسمی صندوق بین‌المللی پول).

به دست آمده از سه کشور وجود دارد. اما اهمیت سنت ضرورتاً مطابق با اهمیت دین نیست به گونه‌ای که میزان اهمیت سنت در ترکیه بیشتر است. این امر حاکی از عدم تلازم ضروری میان مذهب و سنت در این سه کشور است؛ چراکه مذهب صرفاً یکی از مهم‌ترین ابعاد سنت محسوب می‌شود ولی در جنبه‌هایی از آن نیز استقلال یافته و به نحو منحصر به فردی به حیات خود ادامه می‌دهد؛ از این رو، هر نوع تقویت رویکردهای دینی ملازم با تقویت گرایش به سنت‌ها در یک جامعه نیست و می‌تواند ناشی از رویکردهایی باشد که اتفاقاً تحت تأثیر مواجهه با وضعیت‌های نوسازانه اتفاق افتاده است. بنابراین، مزیت تقلیل گرایانه الگوی اینگلهارت، امکان تبیین یافته‌های مربوط به کشورهای متعددی را فراهم می‌کند، اما به همین میزان نسبت به خاص‌بودگی وضعیت‌های اجتماعی نارساست و از این جهت کفایت لازم به منظور تبیین تحولاتی که در اثر اشاعه فرایندهای نوسازی در کشورهای در حال توسعه در وضعیت نگرشی و رفتاری از جمله در حوزه دین می‌افتد را ندارد.

تجارب دینی متناسب با ارزش‌های مادی گرایانه، قابل تقلیل به گرایش‌های مناسکی نیست. همچنین سویه نقیض آن نیز نمی‌تواند صحیح باشد که تجارب دینی متناسب با ارزش‌های فرامادی گرایانه، به افزایش معناگرایی دینی منجر می‌شود. یافته‌های پیمایش اینگلهارت، چنین تلازمی را تأیید نمی‌کند؛ چراکه در خصوص تأمل در معنا و غایت زندگی، تفاوت معناداری در سه کشور ارزیابی نشده است. تأمل در معنای زندگی هم ضرورتاً ملازم با حیات دینی نیست و افراد ممکن است در زندگی به این مسائل بارها اندیشیده باشند. همچنین درباره میزان عبادت تفاوت معناداری میان سه کشور ارزیابی نشد. این امر می‌تواند حاکی از آن باشد که عبادت، عنوان عامی است که علاوه بر صورت‌های رسمی و جاافتاده مناسکی. وضعیت‌های متنوع دیگری نیز به خود گرفته است. از آن جمله می‌توان به انواع تفکرهای عبادی در صورت‌های مدرن یا سایر انواع آن توجه کرد. شیوه‌هایی که از فرم‌های رسمی و جاافتاده تهی شده اما همچنان به دنبال نوعی توجه به معنا و غایت در زندگی است. این امر توجیه‌کننده این دو مقوله (تأمل در معنا و غایت زندگی و میزان اهتمام به عبادت) و عدم تفاوت معنادار آنها در میان سه کشور است. انسان‌ها در

شرایط معاصر هم‌چنان دیندارند و اینگلهارت نیز در فرضیه اصلاحی خود چنین امری را لحاظ کرده اما نتوانسته ترکیب‌بندی متفاوتی که در وضعیت دین در شرایط معاصر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌شود را در الگوی خود لحاظ کند.

نتیجه‌گیری

وضعیت حیات دینی در شرایط معاصر، از جمله دغدغه‌های متفکران اجتماعی است که پس از فترتی در نیمه سده بیستم، مجدداً مورد توجه قرار گرفت. این امر ناشی از تحولات و تأثیرات زمینه‌های مذهبی در سایر حوزه‌ها بود؛ به‌گونه‌ای که بدون فهم شرایط دینی، نمی‌توان به صورت دقیق به تبیین سایر حوزه‌ها نیز مبادرت کرد. در این میان، در کشورهای در حال توسعه‌ای که دین در آنها نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات اجتماعی معاصر داشته و سنت‌های فکری تأثیرگذاری پس از بروز شرایط مدرن در ارتباط با معضلات مدرن و کیفیت مواجهه با دین در آنها رشد کرده، حایز اهمیت است. با توجه به چنین مؤلفه‌هایی ایران، ترکیه و مصر به عنوان نمونه تحلیل انتخاب شده‌اند. پرسش‌های تحقیق، معطوف به دو جنبه چستی وضعیت دین در میان سه کشور با توجه به یافته‌های پیمایش بین‌المللی اینگلهارت و همچنین کیفیت الگوی نظری وی در تبیین تحولات اجتماعی است. بر این اساس، علاوه بر بررسی تطبیقی وضعیت دین در سه نمونه مذکور، ارزیابی فرضیه اینگلهارت متناسب با یافته‌های پیمایش فراملی او از جمله مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است.

مهم‌ترین منبع داده‌های مربوط به مقایسه وضعیت میان سه کشور منتخب در خصوص وضعیت دین، پیمایش جهانی ارزش‌ها و نگرش‌هاست که در طول ۵ موج به سنجش ارزش‌های ملیت‌های مختلف پرداخته است. بر اساس داده‌های مأخوذ از موج نهایی که در میان ۸۷ کشور انجام شده، ۶ مقوله اصلی مرتبط با وضعیت دین در مصر، ایران و ترکیه بررسی شده است. از جمله مشکلات چنین پژوهش‌هایی آن است که این شاخص‌ها ضرورتاً تمامی ابعاد موضوع مطالعه (وضعیت دین) را نمی‌سنجد. شاخص‌سازی در پیمایش‌هایی که بدو انجام می‌شود ممکن است اما در مطالعات ثانوی لازم است تا به حداقل‌ها اکتفا کرد. علی‌رغم تمامی محدودیت‌های روشی و داده‌ای، نتایج پژوهش، قابل

تعمیم به همان بخش‌هایی است که سنجیده شده نه کلیه موارد. همچنین در مقاله حاضر به دنبال تبیین عوامل و بررسی سهم هر یک در حیات دینی این سه کشور نیستیم و صرفاً به دنبال بررسی وجوه شباهت و تمایز در حیات دینی در سه کشور و ارزیابی الگوی اینگلهارت نسبت به آن می‌باشیم. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود، با انجام آزمون‌های آماری چندمتغیره (متناسب با سطح سنجش متغیرهای پیمایش ارزش‌های جهانی) حیات دینی در الگوهای معتبر امکان تبیین‌های نظری بهتری را بیابد. تبیین مقولات در این سطح، نیازمند به فهم روابط چندمتغیره است که از حد مقاله حاضر فراتر می‌رود.

اینگلهارت، فرضیه مرسوم میان نظریه‌پردازان کلاسیک را که قایل به افول دینداری همزمان با شدت یافتن روندهای توسعه، عقلانی‌شدن و تخصص‌گرایی را اصلاح کرده و در فرضیه تازه‌ای تلاش می‌کند تا بتواند انطباق میان الگوی نظری و واقعیات اجتماعی معاصر را نیز لحاظ کند. از این‌رو، در مفهوم توسعه و نوسازی، بسطی معنایی ایجاد می‌کند و در سطح نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز قایل به دوگانگی مادی‌گرایی/فرامادی‌گرایی می‌شود. یافته‌های پیمایش اینگلهارت، حاکی از اعتبار فرضیه او از این جهت است که نمی‌توان قایل به افول دین حتی در شرایط توسعه‌یافته داشت. اما این الگو همچنان جهت حفظ نقطه قوت تئوریک خود، دچار تقلیل‌گرایی می‌شود؛ از این‌رو، میان سطح برخورداری از رفاه و توسعه‌یافتگی با کیفیت نگرشی و رفتاری تطابقی فرض می‌کند که در نمونه‌های تحقیق حاضر تطابق ندارد. متناسب با سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی، نمی‌توان انتظار داشت که حیات دینی در ترکیه (با سرانه بالاتر در رتبه ۱۷) کمتر از ایران (در رتبه ۲۹) و در ایران کمتر از مصر (با رتبه ۴۰) باشد. تمایزی که او میان‌گرایش‌های مادی‌گرایی/فرامادی‌گرایی قایل است، از نظم آماری معناداری در ارتباط با وضعیت دین در این سه کشور تبعیت نمی‌کند؛ چراکه یافته‌ها حاکی از عدم تلازم میان تأمل در معنای زندگی با حیات دینی است. همچنین در خصوص میزان عبادت، تفاوت معناداری میان سه کشور ارزیابی نشد. همچنین، از آنجا که با روندهای کلی در کشورهای توسعه‌یافته تطابق بیشتری دارد، کفایت لازم به منظور تبیین شرایط منحصر به فرد وضعیت دین در کشورهای در حال توسعه و تحولات آن را ندارد.

کتابنامه

۱. اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
۲. بل، دانیل (۱۳۸۰)، دین و فرهنگ در جامعه پسا صنعتی، ترجمه: مهسا کرم‌پور، در: مجله ارغنون، شماره ۱۸.
۳. دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
۴. _____ (۱۳۸۵)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۲)، باورها و رفتارهای مذهبی در ایران ۱۳۷۹-۱۳۵۳، تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. مارکس، کارل (۱۳۸۲)، ایدئولوژی آلمانی و تزه‌های فوئرباخ، ترجمه: اکبر معصومی‌گی، تهران: نشر اختران.
7. Ali Khan L. (2003), *A Theory of Universal Democracy: Beyond the End of History*, Boston: Martinus Nijhoff Publishers.
8. Berger, Peter (1999), *The desecularization of the World, Resurgent Religion and World Politics*, New York: Eerdmans Publishing.
9. Casanova, José (1994), *Public Religions in the Modern World*, Chicago: University of Chicago Press.
10. Cizre, Umit (2008), *Secular and Islamic Politics in Turkey: The Making of the Justice and Development Party*, London: Routledge.
11. Eligur, Banu (2010), *The Mobilization of Political Islam in Turkey*, Cambridge: Cambridge University Press.

12. Furseth, Inger & Repstad, Pal (2006), *An Introduction to the Sociology of Religion: Classical and Contemporary Perspectives*, London: Ashgate Publishing, Ltd.
13. Morady, Farhang & Siriner, Ismail (2011), *Globalisation, Religion & Development*, London: IJOPEC Publication.
14. Stark, Rodney (1985), *The Future of Religion: Secularization, Revival, and Culture Formation*, California: University of California Press.
15. Weber, Max (1998), From Max Weber, translated, edited with an introduction by H. H. Gerth and C. Wright Mills, London: Routledge.
16. Wickham, Carrie Rosefsky (2002), *Mobilizing Islam: Religion, Activism, and Political Change in Egypt*, New York: Columbia University Press.
17. Zaccaria, Francesco (2010), *Participation and Beliefs in Popular Religiosity: An Empirical-Theological Exploration Among Italian Catholics*, Leiden: Brill.